



جعفر تکبیری

بدون تردید یکی از موضوعات پرچالش هفته‌های اخیر را باید بحث بر سر توافق هسته‌ای کشورمان با کشورهای ۵+۱ دانست چرا که برخی از شخصیت‌ها و جریان‌های داخلی معتقدند متن جمع‌بندی مذاکرت هسته‌ای تنها باید به تأیید شورای عالی امنیت ملی برسد و لازم نیست آن را در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و در مقابل جریانی معتقد است طبق اصول قانون اساسی فرایند تصویب این متن باید حتماً از مجلس شورای اسلامی عبور کرده و این منتخیان ملت هستند که وظیفه دارند جمع‌بندی مذاکرات را تأیید یا رد کنند. حال در شرایطی که نقدهای متفاوتی به برخی از بندهای قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل و همچنین متن برجام وجود دارد باید منتظر ماند و مشاهده کرد که سرنوشت چنین مسئله‌ای چگونه رقم خواهد خورد. با گذشت بیش از دو هفته از حصول جمع‌بندی مذاکرات وین و سپس صدور قطعنامه شورای امنیت، حالاً موضوع الزامات حقوقی بر جام و قطعنامه، مهم‌ترین بحث مجامع نخبگی کشور است. جایی که به نظر می‌رسد هنوز به دلیل عدم ارائه متنی رسمی از سوی مراجع ذیصلاح به یک جمع‌بندی کامل نرسیده‌اند. از این رو روزنامه « جوان » در گفت‌وگو با دکتر محمد دهقانی از اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و عضو هیئت رئیسه مجلس به بررسی واکاوی الزامات حقوقی متن برجام و قطعنامه شورای امنیت برای هر یک از طرفین گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران پرداخته که ماحصل آن را در ادامه می‌خوانید. ■■■

به عنوان اولین سؤال می‌خواستیم از شما بپرسیم آیا آنچه که در مذاکرات وین به دست آمد، یک توافق است یا خیر؟ این سؤال را از این رو پرسیدیم که در حالی که هنوز این جمع‌بندی در مجالس ایران و امریکا به تصویب نرسیده اما قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت صادر شده است که به نظر می‌رسد، این جمع‌بندی برای تمام کشورهای لازم‌الاجراست.

هرچند این روند در موضوعات مختلف توسط حقوقدانان حقوق بین‌الملل مشغول بحث و واکاوی است، باید به این نکته اشاره کرد که حقوق بین‌الملل، یک حقوق سییال است و وجود حقوق بین‌الملل به واسطه وجود قراردادهای بین‌المللی و معاهدات بین‌المللی است. از این رو امروز نوبت علمای علم حقوق به ویژه در حوزه حقوق بین‌الملل است که بیایند و نظرات خود را در خصوص جمع‌بندی مذاکرات وین بیان کنند. بنده نیز از همین تریبون از همه حقوقدانان کشور، به ویژه اساتید دانشگاه‌های بزرگ کشور دعوت می‌کنم، برای بررسی برجام وقت بگذارند و دیدگاه‌های خود را در خصوص مسائلم مختلف و متنوع که هم‌اکنون در اختیار است، مطرح کنند.

ما در مجلس شورای اسلامی جلسات مختلفی را برای بررسی این موضوع برگزار کردیم و یکی از جلساتی که در این خصوص در حال برگزاری است، جلسه با حقوقدانان، حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل است. قرار است این جلسات در هفته‌های کاری مجلس ادامه پیدا کند و ما بدون پیش‌داوری در خصوص این مسئله، صرفاً با توجه به قواعد حقوقی و متنی که در اختیار ماست، دیدگاه‌های حقوقدانان را بشنویم. این امر هم به مجلس و هم به دولت و نظام کمک می‌کند تا ابعاد حقوقی این متن آشکار شود. از سوی دیگر این بستری برای ورزیدگی حقوقی در میان جامعه حقوقی کشور است.

اما در خصوص این سؤال که ماهیت این متن چیست باید بگویم که در جلسه گذشته باحقوقدانان این موضوع را مطرح کردیم اما نظرات در این خصوص یکسان نیست. در عین حال پاسخ این پرسش که ماهیت این متن چه هست و اگر به تصویب مجلس شورای اسلامی و مسئولان نظام برسد، آیا این یک معاهده هست یا خیر، باید بگویم که نظر اکثریت آن است که پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و دیگر مراجع قانونی این سند به عنوان یک موافقتنامه بین‌المللی شناخته می‌شود و پس از تصویب وارد مکانیسم حقوق داخلی ما خواهد شد و الزام‌آور است.

اما پیش از تصویب نسبت این قطعنامه با جمهوری اسلامی چیست، هنوز به طور دقیق مشخص نیست و پاسخ دقیقی وجود ندارد اما آنچه که می‌شود از مجموع نظر حقوقدانان استنباط کرد آن است که قطعنامه خودش برخاسته از متن برجام است. یعنی چون در متن برجام مقرر شده که این قطعنامه صادر شود شورای امنیت اقدام به صادر کردن آن کرده و در حقیقت قطعنامه جنبه استقلالی ندارد و در ذات یک سند مستقل محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر توافقی میان دولت ایران و گروه ۵+۱ ایجاد نمی‌شد، طبیعتاً این قطعنامه هم صادر نمی‌شد. بنابراین این دو پایندگی مرتبط است و صورتی این قطعنامه برای جمهوری اسلامی لازم‌الاجراست که برجام در مکانیسم حقوق داخلی ایران وارد شود و طبق ماده ۹ قانون مدنی به عنوان یک قانون داخلی شناخته شود. بنابراین اگر متن جمع‌بندی مورد تأیید مجلس نباشد، قطعنامه شورای امنیت نیز برای کشور لازم‌الاجرا نیست؟

هرچند قطعنامه‌های شورای امنیت، ارتباطی با حقوق داخلی کشورها ندارد اما قطعنامه‌ای که در شورای امنیت به تصویب برسد طبق منشور ملل متحد برای همه دولت‌های عضو سازمان ملل لازم‌الاجراست. در عین حال همانطور که گفتیم به دلیل اینکه، قطعنامه برگرفته از متن برجام است و اگر چه یکسری تعهدات برای کشورهای ۵+۱ و ما ایجاد می‌کند اما تا زمانی که وارد مکانیسم حقوق داخلی کشور نشود، لازم‌الاجرا به نظر نمی‌رسد.

البته در قطعنامه هیچ اشاره‌ای به تأیید ایران و یا امریکا برای اجرای آن نشده و بعد از ۹۰ روز لازم‌الاجرا می‌شود. البته این نکته را نیز باید گفت که قطعنامه نسبت به کشور امریکا و مجلس ایران یک ماهیت حقوقی مستقل برای خود قائل شده است اما باز هم تأکید می‌کنم که به دلیل آنکه قطعنامه به واسطه برجام صادر شده است، اگر مجلس برجام را تأیید نکند، قطعنامه برای حقوق داخلی ما لازم‌الاجرا نیست. همچنین برای غربی‌ها نیز وجود این قطعنامه چندان مفید نخواهد بود، به دلیل آنکه در قطعنامه ۲۳۲۱ تمامی قطعنامه‌های تحریمی علیه کشورمان را لغو کرده و یک قطعنامه نرم در خصوص

کشورمان است و به نفع طرف‌های غربی نیست.

بنابراین اگر برجام توسط کشورمان پذیرفته نشود، خود به خود قطعنامه نیز منتفی می‌شود. در مجموع باید گفت که قطعنما ذات مستقل ندارد.

به نظر شما چرا قطعنامه پیش از تصویب برجام در مجالس ایران وامریکا به تصویب رسید؟ آیا می‌توان گفت این حرکت نوعی در عمل انجام شده قرار دادن مجالس ایران وامریکا بود؟

ببینید، ایران با پذیرش این موضوع که پیش از تصویب برجام، قطعنامه صادر شود، عملاً ابتکار عمل را از دست کنگره امریکا خارج کرد و اختیار کنگره امریکا را سلط کرد.

علاوه بر این روسیه و چین و کشورهای اروپایی طرف مذاکره با ایران نیز عملاً با پذیرش این موضوع، نیتی مشابه کشورمان داشتند تا ابتکار عمل را از دست کنگره امریکا خارج کنند. این کشورها دوست نداشتند که چندین ماه تلاش‌شان برای مذاکره با ایران به خواست کنگره امریکاموگول شود. از این رو قطعنامه برای کمک به لازم‌الاجرا شدن برجام برای امریکا صادر شد.

این در حالی است که یک طرف کامل این مذاکرات کشورمان است و اگر جمهوری اسلامی به دلیل آنکه برجام را خلاف منافع ملی خود ببیند حاضر به اجرای آن نشود، عملاً قطعنامه نیز برای تمام کشورها بی‌اثر خواهد شد و فلسفه‌ای برای وجود قطعنامه نخواهد بود. ایران همواره قطعنامه‌های زیادی ظالمانه شورای امنیت علیه خود را نپذیرفته و آن را غیرقانونی معرفی کرده است.

حال اگر کنگره امریکا برجام را به تصویب نرساند و امریکا آن را اجرا بی نکند، سرانجام توافق به کجا خواهد انجامید؟

اگر امریکا برجام را نپذیرد، شرایط متفاوت است. یک طرف ایسن مذاکرات ایران بوده و طرف دیگر شش کشور جهان است که این ایالات متحده یکی از این شش کشور است. این در حالی است که همه اعضای گروه طرف مذاکره با ایران به جز ایالات متحده اجازه ورود این سند به پارلمان‌های خود را ندارند و صرف امضای وزرای خارجه آن کشورها زمینه لازم‌الاجرا شدن این توافق را پس از سه ماه فراهم کرد. حال اگر امریکا حاضر به پذیرش برجام نشود، تنها این کشور آن را اجرائی نخواهد کرد و این باقی کشورها هم با گفت‌وگوکننده همچنان از این سند لازم‌الاتباع است. طبیعتاً در این میان امریکامنزوی خواهد شد و با



واکاوی الزامات حقوقی برجام

در گفت‌وگو با دکتر محمد دهقانی عضو هیئت رئیسه مجلس

برجام برای اجرا باید وارد مکانیسم حقوق داخلی ایران شود



توجه به قطعنامه شورای امنیت، این موضوع برای همه کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا خواهد بود. البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اگر ایالات متحده به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل حاضر به اجرای قطعنامه ۲۳۲۱ نشود و جریمه‌ای از سوی سازمان ملل برای آنها در نظر گرفته شود، به دلیل حق وتو ایالات متحده این الزام جدید برای امریکا لازم‌الاجرا نخواهد بود.

در مجموع نتیجه این است که اگر ایران برجام را نپذیرد و ایالات متحده آن را نپذیرد، قطعنامه برای همه کشورهای لازم‌الاجرا است اما برای امریکا اگر اجرائی نشود، آثار عملی برای آنها به همراه نخواهد داشت اما ممکن است آثار سیاسی برای آنها به همراه بیآورد.

در همین ارتباط می‌خواستیم از شما بپرسیم، با توجه به آنکه بخش بزرگی از تحریم‌ها علیه کشورمان، تحریم‌های یکسویه با ایالات متحده است، اگر این کشور حاضر به پذیرش برجام نشود، سرانجام این دسته از تحریم‌ها چه می‌شود؟

همانطور که اشاره کردید بسیاری از تحریم‌های کشورمان ناشی از تحریم‌های ثانویه امریکاست. تحریم‌هایی که شرکت‌های دنیا را الزام می‌کند که با ایران رابطه اقتصادی نداشته باشند و اگر این اتفاق بیفتد دچار جریمه‌ها و تحریم‌های امریکا خواهند شد. از سوی دیگر نقل و انتقال دلار نیز در اختیار امریکاست. این امکان نیز برای آنها وجود داشته که تبادلات مالی همه را کنترل کنند و کسانی که از خواسته ایالات متحده سرپیچی کنند، خیلی زود اقداماتشان افشا شود. این موضوع فشارهای زیادی به کشورمان وارد کرده است. طبیعی است که اگر ایالات متحده از این روند حذف شود، اگر چه امکان تجارت ما همچنان با دیگر کشورهای دنیا وجود دارد اما واقعیت آن است که همچنان بخش مهمی از تحریم‌ها باقی خواهد ماند.

در عین حال این قضاوت را هم باید داشت که آن اجسامی که امریکایی‌ها بهمیمانی اروپایی‌ها علیه کشورمان ایجاد کرده بودند و از این طریق ما را تحت فشار می‌گذاشتند، این اجماع امروز از بین رفته و یک گام بزرگ به نفع کشورمان برداشته شده است داخلی ما هیچ موافقتنامه بین‌المللی اجرائی وجود دارد، کنگره این قدرت را ندارد که برجام را رد کند و در نهایت این سند به تأیید خواهد رسید.



قطعنامه جنبه استقلالی ندارد و در ذات یک سند مستقل محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر توافقی میان دولت ایران و گروه ۵+۱ ایجاد نمی‌شد، طبیعتاً این قطعنامه هم صادر نمی‌شد. بنابراین این دو با یکدیگر مرتبط است و در صورتی این قطعنامه برای جمهوری اسلامی لازم‌الاجراست که برجام در مکانیسم حقوق داخلی ایران وارد شود و طبق ماده ۹ قانون مدنی به عنوان یک قانون داخلی شناخته شود

داشته باشد و این متن صریح قانونی اساسی است و به عقیده من هیچ راهی در این خصوص برای دور زدن مجلس وجود نخواهد داشت.

موضوع مذاکرات هسته‌ای همواره توسط دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مدیریت می‌شده و آنها از بعد امنیتی به مسئله نگاه می‌کردند و امروز نیز بررسی متن برجام در شورای عالی امنیت ملی هیچ منافاتی با بررسی آن در مجلس شورای اسلامی ندارد. آنها از بعد امنیتی باید این سند را بررسی کنند اما قطعاً این سند تنها بعد امنیتی به عنوان ولی فقیه بر اساس اصول قانون اساسی به مجلس دستور دهند که در این موضوع وارد نشودید. تنها در این صورت است که مجلس براساس اصل ۵۷ قانون اساسی که حاکمیت دارد بر اصول دیگر، مجلس دیگر اجازه ورود به این موضوع را ندارد. در غیر این صورت مجلس باید به وظیفه خود عمل کند و تنها مرجع صالح متعارف برای رسیدگی به این سند، مجلس شورای اسلامی است.

البته برای ورود مجلس به بررسی این سند، باید دولت لایحه‌ای را در این خصوص تقدیم مجلس کند. ما سال‌های متمادی، صدها

عکس: فائزه عرفانیان

است. بر همین اساس اگر مجلس موافقتنامه‌ای را رد می‌کرد، دولت نیز به بررسی دلایل این پاسخ منفی مجلس می‌پرداخت و اقدام به اصلاح موافقتنامه می‌کرد. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که کشورها براساس شرط تحفظ به معاهدات بین‌المللی می‌پیوندند. به این معنی که کشورها می‌توانند براساس قوانین و حقوق داخلی خود برخی از مفاد آن موافقتنامه را نپذیرند. این یک امر پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است. این شرط در الحاق کشورها به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. در مجموع همانطور که گفتیم حقوق بین‌الملل یک حقوق سییال است و باید مانند حقوق داخلی سخت قلمداد کنیم. روشن است که حقوق بین‌الملل نیز تاجایی اعتبار دارد که حق مشروع کشورها را خدشه‌دار نکند. از طرف دیگر این قرارداد که پیش‌نویس آن امروز حاضر شده و قرار است میان ایران و کشورهای جهان اجرائی شود در طول عمر جامعه ملل و سازمان ملل چه از لحاظ حجم و وقت کم‌نظیر است. بنابراین خود برجام می‌تواند حقوق بین‌الملل‌ساز باشد، بنابراین لازم نیست پیرو قواعد مشهور بین‌الملل باشیم و باید عاهده‌ساز باشیم. به عقیده من این راه وجود دارد که با این موافقتنامه معامله خاصی داشته باشیم.

نباید در این خصوص عجله کنیم و باید حقوق کشور و منافع را بررسی کنیم و در مجموعه مسئولان کشور یک همبستگی وجود داشته باشد. در مجموع منافع کشور در نظر گرفته شود و ببینیم چه قسمت‌هایی از برجام قابل پذیرش نیست. در قسمت‌هایی از برجام طبیعی است که باید محدودیت‌هایی پذیرفته شود، ما چیزی نمی‌دهیم و چیزی می‌گیریم و ایسن در هنگام گفت‌وگو با چند کشوری که پشت میز نشسته‌اند طبیعی است. کاهش تعداد مسائرفیوزها و تعليق غنی‌سازی ۲۰ درصد اگرچه برای ما سخت است اما این سختی را می‌توان در ازای تسهیلاتی که برای کشور گشوده می‌شود تحمل کرد. اما هنگام بررسی شاید به نقطه‌ای برسیم که خط قرمز غیر قابل عبور ما بوده و منافع ملی را در معرض خطر قرار دهد. اینجاست که چیزی قابل پذیرش نیست.

یکی از این خطوط قرمز پذیرش بلندمدت تعليق غنی‌سازی است و دیگر خط قرمز بازگشت سریع تحریم‌ها با مکانیسم ماشه است. یکی دیگر از خطوط قرمز تحمیل خطر امنیتی از طریق دست‌رسی به امکان نظامی است. بنابراین ما باید بررسی کنیم و ببینیم منافع ما در راست یا قبول.



حتی ممکن است ما راه جدیدی را طی کنیم و این برجام را تأیید کنیم.

منظور شما از تأیید مشروط چیست؟ یعنی ما یکسری شرط برای دولت جمهوری اسلامی بگذاریم که ما برجام را تأیید می‌کنیم اما در مواردی که خطر امنیتی وجود ندارد و حیثیت ملی ما را خدشه‌دار نمی‌کند شما باید ضمن مذاکره با طرف مقابل نسبت به رفع این ایرادات اقدام کنید، در غیر این صورت امکان تأیید برجام وجود ندارد.

به عنوان آخرین سؤال اگر در انتخابات پیش روی امریکا، فردی بر خلاف تفکر آقای اوباما سکان هدایت این کشور را در دست بگیرد، ضمانت اجرائی این سند چیست؟

این یکی از ابهاده‌ی است که باید مورد بررسی دقیق قرار بگیرد و هنوز بررسی کاملی روی متن صورت نگرفته که بتوانیم نظر قطعی بدهیم. اما براساس همان برآورد اولیه، ضمانت اجرائی این برجام برای امریکایی‌ها ضمانت اجرائی سیاسی است. یعنی همین دولت فعلی امریکا و دولت آینده آن اگر به مفاد قطعنامه شورای امنیت عمل نکنند، با توجه به قدرت بیشتر آنان در شورای امنیت به واسطه حق وتو، ضمانت اجرائی حقوقی قابل اجرا نیست. امریکایی‌ها اگر تخلف آشکاری کنند و ما به شورای امنیت نیز گزارش کنیم و آنان جلسه‌ای در این خصوص بگیرند و حتی بخواهند امریکا را نیز جریمه بکنند به دلیل همین حق وتو اثر عملی نخواهد داشت. بنابراین نقض عهد امریکا که کاملاً متصور است نیز امکان ایجاد یک ابزار حقوقی برای ضمانت اجرا را نخواهد داشت.

همانطور که گفتیم امریکا نیز به عنوان یک کشور ملزم به اجرای قطعنامه شورای امنیت است. اما به دلیل همین حق وتو ایسن الزام عملی نخواهد بود. اما از لحاظ سیاسی ممکن است برای امریکا هزینه داشته باشد.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.